

نگاهی به موقعیت اجتماعی و اقتصادی ترکیه

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

لغو اعدام و موقعیت زندانیان سیاسی

حکم اعدام در ترکیه، لغو شد. این دستاورد بزرگی برای بشریت، به ویژه برای مردم آزادی خواه ترکیه است. لغو اعدام، در این کشور را نباید صرفاً به تلاش و فشار جوامع بین المللی، از جمله اتحادیه اروپا محدود کرد، بلکه لغو اعدام را باید ثمره مبارزه طولانی کارگران، چپ‌ها، کمونیست‌ها و آزادی خواهان، در داخل و خارج ترکیه و فشار افکار عمومی بین المللی و نهادهای انسان دوست دانست.

همچنین از سال ۱۹۸۴، یعنی از اواخر حکومت ژنرال‌ها به بعد کسی در این کشور اعدام نشده است، در حالی که حکم اعدام برقرار بود. اما ده‌ها نفری که حکم اعدام گرفته بودند، پرونده شان به بایگانی پارلمان سپرده شده بود. آخرین نفری که به اعدام محکوم شد، عبدالله اوجالان رهبر سازمان کارگران کردستان (پ.ک.ک) بود. اوجالان، در سپتامبر ۱۹۹۸، به دلیل فشاری که دولت ترکیه، بر دولت سوریه آورد و رابطه دو کشور تا حد درگیری نظامی پیش رفت، احتمالاً از سوریه اخراج شد. دولت ترکیه، خواهان تحویل اوجالان به ترکیه و یا اخراج وی از سوریه بود. در چنین شرایطی، اوجالان، در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۸، سوریه را مخفیانه ترک کرد. سرانجام اوجالان، روز ۱۳ دسامبر ۱۹۹۸ وارد فرودگاه رم شد و پس از مدت کوتاهی بعد از ورودش به فرودگاه رم، از دولت ایتالیا، تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. دولت ترکیه، بلافاصله دست به کار شد و از دولت ایتالیا خواست که اوجالان را به دلیل فعالیت‌های «تروریستی» تحویل ترکیه بدهد. روز ۲۵ نوامبر دولت ایتالیا، رسماً اعلام کرد که به اوجالان پناهندگی سیاسی نمی‌دهد. او، اجباراً ایتالیا را ترک کرد. اوجالان، به روسیه، استونی، مجدداً به ایتالیا و یونان رفت، هیچ کدام از این دولت‌های «دمکراتیک» و «پناهنده پذیر» او را نپذیرفتند. چرا که احتمالاً روابط اقتصادی و سیاسی شان با دولت ترکیه، در کوتاه مدت به تیرگی می‌گرایید. سرانجام دولت یونان، اوجالان را از جزیره «کورفو»، به نایروبی، پایتخت کنیا فرستاد و چند روزی از اقامت اوجالان، در سفارت یونان، در کنیا نگذشته بود که او را به بهانه این که به فرودگاه می‌برند تا از آنجا عازم هلند شود، در فرودگاه به کوماندوهای ترکیه تحویل دادند که، با هواپیمایی اختصاصی، انتظار او را می‌کشیدند. این سناریویی بود که از سوریه تا کنیا و از کنیا تا ترکیه، برای او، تدارک دیده بودند. این سناریو یک بار دیگر ریاکاری دولت‌های دمکراتیک غرب را به نمایش گذاشت، آنان به تروریسم دولتی ترکیه، کمک کردند تا رهبر یک سازمان اپوزیسیون را دستگیر کند، به ترکیه انتقال دهد و محکوم به اعدام سازد. اکنون به دنبال لغو اعدام، دادگاه رسیدگی به پرونده اوجالان، حکم اعدام او را لغو کرد و به حبس ابد تقلیل داده است.



مسلماً لغو اعدام در ترکیه، گام مثبتی در راه احترام به حرمت و موجودیت انسان است، اما نباید آن را به بهبود موقعیت زندانیان سیاسی و عدم برخورد خشونت آمیز پلیس این کشور، با مخالفین و زندانیان سیاسی، به خصوص در کوتاه مدت به حساب آورد. تغییر فرهنگ پلیس و ارتش، به آموزش‌های داز مدت نیاز دارد. زندانیان سیاسی در ترکیه، داستان غم‌انگیزی دارند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، کسی در این کشور، از سال ۱۹۸۴ تاکنون اعدام نشده است، اما در اثر اعتصاب غذا زندانیان بی‌شماری جان خود را از دست داده‌اند که دولت ترکیه، هر گز جرات نمی‌کرد در این ابعاد وسیع دست به اعدام بزند. چرا که وجدان انسانی و جوامع بین‌المللی و مردم آزادی‌خواه ترکیه، بر علیه دولت این کشور می‌شورید. زندانی، در واقع اسیر دولت است، از اعتصاب غذا، به عنوان سلاح استفاده می‌کند تا به مطالبات انسانی خود دست برسد. بنابراین جان‌باختگان اعتصاب غذا در زندان‌های ترکیه را باید به نوعی «اعدام» غیرمستقیم تلقی کرد، یعنی عملکردهای غیرانسانی دولت، مسبب اصلی اعتصاب غذای زندانیان و مرگ آنان است.

زندان‌های سیاسی ترکیه، دومین سال اعتصاب غذای خود را پشت سر می‌گذارند. این اعتصاب، بزرگ‌ترین اعتصاب غذای زندان در تاریخ محسوب می‌شود. اعتصاب زندانیان سیاسی، در اعتراض به انتقال آنان به زندان‌های نوع «ا»، در بیستم اکتبر ۲۰۰۰ آغاز شد. دولت، در نظر داشت که حدود ۳۰۰۰ زندانی سیاسی را به سلول‌های «ا» زندان‌های تازه ساخت انتقال دهد، زندانیان اعتراض گسترده‌ای را با اعتصاب غذا آغاز کردند. در حمله پلیس، در بیست زندان مختلف به اعتصابیون حدود ده هزار نیروی امنیتی دخالت داشتند. این حمله وحشیانه پلیس، ۸۳ ساعت به طول انجامید که در اثر آن ۳۰ زندانی و ۲ پلیس جان خود را از دست دادند. در این اعتصاب غذای دو ساله، تاکنون ۱۰۱ نفر جان باختند، حدود ۵۰۰ زندانی نیز ناقص‌العضو و یا فلج شده‌اند و هم‌اکنون ۱۵ زندانی نیز در حال اعتصاب غذا بسر می‌برند. در سالگرد این اعتصاب، صدها نفر از خانواده‌ها و حامیان زندانیان سیاسی، روز یک‌شنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲، در خیابان استقلال، تجمع کرده بودند و با حمله نیروهای انتظامی روبه‌رو شدند. پلیس، بیش از ۱۰۰ نفر را دستگیر کرد. متأسفانه نهادهای بین‌المللی، مدافعان حقوق بشر و رسانه‌های گروهی، نسبت به این تراژدی انسانی در ترکیه، عکس‌العمل جدی از خود نشان نداده‌اند.

از اکتبر سال ۲۰۰۰، تاکنون برخی از رسانه‌های بین‌المللی نظیر «بی.بی.سی»، «سی.ان.ان»، «رویتر»، «اکنونیست» و یا در سطح محدودی رسانه‌های ترکیه، گزارش‌هایی را با تیرهایی هم‌چون «گروه‌های حقوق بشر گفته‌اند بخشی از این زندانیان در آستانه مرگ هستند»، «حدود ۱۸۰ زندانی روزه مرگ و ۱۷۱ نفر روزه آب شیرین دارند»، «حدود ۲۰۰ زندانی در حال اعتصاب غذا، روزه خود را به پایان رساندند، اما جناح چپ هنوز با کردها در شکستن اعتصاب همراه نشده است...»، «حکمت سامی تورک، وزیر دادگستری ترکیه، می‌گوید، ۳۵۳ نفر به روزه مرگ ادامه می‌دهند و بیش از ۱۶۰۰ نفر از حامیان آن‌ها در ماه مارس گذشته (۲۰۰۱)، جان خود را به دلیل اعتصاب غذا از دست دادند»، «بیش از ۸۰۰ زندانی به اعتصاب کنندگان می‌پیوندند»، «یک زندانی ۳۲ ساله پس از چندین ماه اعتصاب غذا درگذشت. تعداد زندانیان و حامیان قربانی اعتصاب به ۲۰ نفر رسید»، «فاطمه هولیا، عضو یک سازمان چپ، پس از ۱۸۶ روز اعتصاب در بیمارستان درگذشت»، «یک زندانی دیگر از گرسنگی مرد، از پنجاهمین قربانی اعتصاب غذا است»، «مریم آستون، عضو حزب پیشرو و آزادی‌انقلابی، پس از ۳۰۲ روز اجتناب از خوردن غذا درگذشت»، «یتر گوزل، در بیمارستان پس از ۷ ماه نخوردن درگذشت» و...

آمار دقیقی از تعداد اعتصاب کنندگان زندانیان سیاسی و حامیان آنان در خارج از زندان‌ها در دست نیست. بنا به اظهار وزیر دادگستری ترکیه، ۱۱۰۰ زندانی در زندان‌های ترکیه، به دلایل سیاسی دست به اعتصاب غذا زده‌اند. اعتصاب غذای زندانیان از اواخر اکتبر ۲۰۰۰ آغاز شده است. بسیاری از خانواده‌ها و نزدیکان زندانیان سیاسی نیز در حمایت از اعتصاب زندانیان سیاسی، در اعتصاب به سر می‌بردند. در آغاز حدود ۳۵۰ تا ۱۱۰۰ زندانی، فقط از آب و نمک استفاده می‌کردند. این نوع اعتصاب باعث مرگ می‌شود. برخی دیگر آب و شکر می‌خوردند، در این نوع اعتصاب، زندانی اعتصابی تعداد روزهایی را که زنده می‌ماند نسبت به نوع اول طولانی است. بسیاری از اعتصاب کنندگان دچار عارضه‌هایی مانند ناتوانی‌های جسمی و روانی، عارضه بینایی، عوارض کلیوی، فراموشی، فلج و غیره می‌شوند.

این اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ترکیه، هنگامی آغاز شد که دولت قصد داشت آنان را به زندان‌های تازه «معروفند، انتقال دهد. این زندان‌های جدید، سلول‌ها از یک نفره تا سه نفره «لله‌ساخت که به زندان‌های نوع «ا» است، در حالی که سلول‌های قبلی ۲۰ الی ۳۰ نفره بودند. کنترل و تجهیزات حفاظتی و امنیتی سلول‌های جدید «ا»، در شهرهای ادیرنه، سینکان، کاندیرا و لله بسیار پیچیده‌تر از سلول‌های سابق است. هم‌اکنون زندان‌های نوع «ا» تکیرداگ ساخته شده است. طبق قوانین، زندانیان فقط یک‌بار در هفته می‌توانند برای ملاقات با خانواده‌شان، از

سلول خارج شوند. در چنین وضعیتی، زندانی کاملاً ایزوله می‌شود. تماس زندانیان با همدیگر قطع می‌گردد. زندان بانان، با خیال آسوده هرگونه رفتار ناشایست و غیرانسانی را می‌توانند با زندانی ایزوله شده داشته باشند. زندانی در دراز مدت، در این زندان‌ها، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی و روانی می‌شود.

« منتقل کند، بیش‌لته‌برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ بود که دولت ترکیه، سعی کرد زندانیان را به سلول‌های نوع « از ۲۰۰ زندانی، در اعتراض به آن ۶۵ روز اعتصاب غذا کردند. پس از مرگ ۱۲ زندانی و وضعیت بد زندانیان اعتصابی، دولت مجبور به عقب‌نشینی شد و دست از انتقال آن‌ها برداشت.

زندانیانی که از مرگ نجات یافتند، به عوارضی مانند اختلالات مغزی، نابینایی، ناتوانی‌های عصبی، از کار افتادگی کلیه‌ها و... دچار شدند.

زندانیان می‌گویند که جدا کردن زندانیان و ایزوله کردن آن‌ها در سلول‌های جدید، شکنجه‌ها و آزارهای جسمی و روانی را افزایش می‌دهد. آن‌ها اظهار می‌دارند که در کنار هم بودن اتحاد و همبستگی و روحیه آن‌ها را در «، نگهبانان درلته‌برابر شکنجه‌گران قوی می‌کند. زندانیان و خانواده‌هایشان می‌گویند که در زندان‌های نوع « این محیط بسته موقعیت مساعدی را برای آزار، شکنجه و تجاوز زندانی در اختیار دارند.

در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰، زندانیان پس از ۵۵ روز اعتصاب غذا، مورد تهاجم نیروهای امنیتی پلیس و ژاندارم، قرار « برند. روز قبل از حمله پلیس، زندانیان لته‌گرفتند. ماموران قصد داشتند آن‌ها را به زور به سلول‌های نوع « اعلام کرده بودند که برای ممانعت از رفتن به سلول‌های انفرادی، به هر گونه مقاومت متوسل خواهند شد. در اثر این حمله وحشیانه پلیس به زندانیان، ۳۰ زندانی و دو ژاندارم کشته شدند. زندانیانی که در سلول‌های انفرادی و یا بیمارستان به سر می‌برند، هم‌چنان به اعتصاب و اعتراض خود ادامه می‌دهند.

گزارش شده است که پلیس، در حمله به زندانیان، از آتش‌پاش برای سوزاندن زندانیان استفاده کرده است. گزارشات پزشکی سوختگی زندانیان را تایید کرده است. از جمله آسیب‌های که زندانیان دیده‌اند، زخم سر، شکستن مفاصل، دنده‌ها و... است که در گزارشات پزشکی ثبت شده است. دولت، تمام سعی خود را می‌کند تا بر این جنایات خود سرپوش بگذارد.

«، گزارش لته‌روزنامه نگاران و نشریاتی که در مورد حمله پلیس به زندانیان و شرایط وحشتناک زندان‌های نوع « و خبری را پخش کرده‌اند، تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. صدها نفر از مردمی که در دفاع از زندانیان سیاسی و در اعتراض به وحشی‌گری‌های پلیس در مقابل زندان‌ها دسته به تحصن و تظاهرات زده بودند، دستگیر و زندانی شده‌اند. دادگاه امنیت ملی ترکیه، بیانیه‌ای را صادر کرد که براساس آن انتشار هر نوع اخبار از زندان‌ها در روزنامه‌ها ممنوع است.

« انتقال داده شدند. لته‌پس از این حمله به زندان‌ها، صدها نفر از زندانیان به زندان‌های انفرادی، نوع « «، لته‌حکمت سامی‌تورک وزیر دادگستری ترکیه، اظهار می‌دارد که هرگونه تلاش برای نرفتن به زندان‌های نوع « بی‌فایده است. بنا به ادعای سامی‌تورک، این زندان‌ها طبق استانداردهای سازمان ملل و اتحادیه اروپا ساخته شده‌اند و کاملاً انسانی و حرفه‌ای هستند. او، تاکید کرد که برنامه‌های دولت، برای گسترش این زندان‌ها ادامه خواهد یافت.

ترکیه، همواره از یک سو در برابر فشارهای بین‌المللی مقاومت می‌کند، به دلیل این که این کشور، سومین دریافت‌کننده کمک‌های نظامی آمریکا، پس از اسرائیل و مصر است و از سوی دیگر جوامع بین‌المللی نیز مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه اروپا، دولت ترکیه را تحت فشار جدی قرار نمی‌دهند. سامی‌تورک، مدعی است که در حمله به زندان‌ها ۱۰۰۵ زندانی به سلول‌های انفرادی فرستاده شده‌اند و چهارصد نفر نیز اعتصاب خود را شکسته‌اند. وی، در دسامبر ۲۰۰۰ اعلام کرد، ۳۵۳ نفر به روزه مرگ ادامه می‌دهند و ۱۶۰۰ نفر از زندانیان از خوردن غذای جامد اجتناب می‌کنند. سامی‌تورک، تهدید کرد که بهتر است زندانیان به اعتصاب غذا پایان دهند و بدانند پایان حرکت آن‌ها مرگ است.

اعتراض و اعتصاب در زندان‌های ترکیه ادامه دارد. علی‌کایماز، زندانی ۳۲ ساله در غرب شهر ازمیر، چهارشنبه ۲ ژانویه ۲۰۰۲، پس از ۹ ماه اعتصاب غذا درگذشت. او، در سال ۱۹۹۶، به «جرم» عضویت در یک سازمان «، در شهر لته «غیرقانونی» کمونیست‌های انقلابی برای ۱۸ ماه محکوم شده بود. با باز شدن زندانی‌های نوع « کیریکلار، او را با دو زندانی سیاسی دیگر به آن‌جا انتقال دادند. او، در برابر شکنجه‌ها مقاومت کرد، اما همچنان به اعتصاب غذای خود ادامه داد. او هشتاد و سومین قربانی بود.

زینل کارتاس، هشتاد و چهارمین زندانی بود که در ۵ ژانویه ۲۰۰۲، درگذشت. او، عضو حزب کمونیست ترکیه « تکیرداگ بود. لته‌بود و در دسامبر ۲۰۰۰ دستگیر شد و ۸ ماه در زندان نوع «

ییرسن هوسور، زنی ۳۲ ساله، همانند صدها زندانی دیگر در زندان مالاتیا به سر می‌برد، تلاش کردند او را به زندان غیرسیاسی ببرند و مقاومتش را بشکنند، اما نتوانستند. ییرسن، در ۲۲ آگوست ۲۰۰۲، در بیمارستان

نیومون آنکارا، به عنوان یکی از مقاوم‌ترین و شجاع‌ترین زن زندانی تاریخی در زندان‌های ترکیه درگذشت. گل‌نهل ایلماز، از ۳ ژوئن ۲۰۰۱، اعتصاب غذای خود را در مخالفت با زندان‌های انفرادی آغاز کرد. او، در ۲۵ آگوست ۲۰۰۲، پس از ۴۴۹ روز مقاومت در زندان جان باخت. گل‌نهل، هنگام مرگ ۳۷ ساله بود. او، دانشجوی حقوق بود و در جولای ۱۹۹۳، به عنوان یک مخالف چپ و مبارز علیه دولت دستگیر شده بود. همان‌طور که اشاره شد، دولت ترکیه، به دلیل حمایت و پشتیبانی همه جانبه ایالات متحده آمریکا، هیچ وقت به طور جدی از سوی سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر، تحت فشار قرار نگرفته است. در مسیر حرکت تاریخ و تغییر آن به نفع بشریت و دفاع از حرمت انسان، کم نبودند کسانی که از جان و زندگی خود مایه گذاشته‌اند و در راه آزادی و برابری و ساختن دنیای انسانی جان باخته‌اند. هر چند که کسانی که در زندان‌های ترکیه، دست به اعتصاب غذا می‌زنند، خواهان عدالت هستند و به این گونه فریاد دادخواهی خود را به گوش جهانیان می‌رسانند. اما در عین حال باید این شیوه مبارزه را مورد نقد قرار داد، چرا که اعتصاب غذا آروزهای دولت را برآورد می‌کند، مبنی بر این که مخالفینش به دست خودشان، خودشان را از بین می‌برند. این شیوه مناسبی برای پیشبرد امر سیاسی نیست و قبل از هر دستاوردی آسیب‌های فراوان جسمی و روانی به فرد اعتصاب کننده می‌رساند. بدین ترتیب دولت، جنایات خود را در زندان‌ها، در نزد افکار عمومی توجیه می‌کند. بنابراین اعتصاب غذا برای پیشبرد امر مبارزاتی و رسیدن به اهداف و مطالبات سیاسی خود، شیوه مناسبی نیست، به این دلیل ساده که این نوع مبارزه قبل از این که به اهداف خود برسد، به مرگ منجر می‌شود و یا اگر هم چنین انسانی زنده بماند عوارض جسمی و روحی را تا آخر عمر با خود همراه خواهد داشت.

اقتصاد ترکیه

دوران طولانی است که مردم ترکیه، از تورم فزاینده و گرانی رنج می‌برند. مردم محروم و زحمتکش، در این کشور، دائماً زندگی خود را پیش فروش می‌کنند و اساساً با بدهی اقتصاد خود را می‌چرخانند. در سال جاری هدف دولت این بود که نرخ تورم را تقلیل دهد و به رقم ۳۵ درصد برساند. اما این هدف برآورد نشد. بدهی‌های ترکیه سرسام‌آور است و بیش‌تر مواقع برای پرداخت بهره مبالغی که وام گرفته است، نیازمند دریافت وام جدیدی است. از سوی دیگر دولت ترکیه، در مقابل پولی که وام می‌گیرد، به نسبت دیگر کشورها بهره زیادی می‌پردازد. پس از این که کمال درویش، این اقتصاددان مورد اعتماد و شناخته شده صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، وزیر اقتصاد ترکیه شد، صندوق بین‌المللی پول، با اعطای ۱۶ میلیارد دلار اعتبار به ترکیه، موافقت کرد. شاید دلیل دیگر موافقت با این قرض کلان، نیاز شدید آمریکا، به کشور استراتژیک ترکیه، به ویژه در شرایط کنونی است. اساساً با حمایت آمریکاست که دولت ترکیه، بیش از هر کشور دیگری «کمک» مالی دریافت می‌کند. اکنون کمال درویش، از کابینه اجویت، استعفا کرد، تا همراه با وزرای مستعفی دیگر مانند اسماعیل جم وزیر امور خارجه، حزب جدیدی بسازد. اکنون این حزب خود را برای انتخابات آینده آماده می‌کند. انتخابات زودرس پارلمانی در ترکیه به دلیل بحران حکومتی، در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۰۲، برگزار خواهد شد. کمال درویش، قبل از استعفا، در طول ۱۶ ماه در کابینه بلنت اجویت، حضور داشت، تلاش‌های زیادی به خرج داد تا در راستای اهداف سرمایه‌داری جهانی در جهت خصوصی‌سازی و خواست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گام‌های مؤثری بردارد. یکی از تلاش‌های او، به اجرا گذاشتن تغییرات ساختاری بود. وی، بانک مرکزی را از دولت جدا کرد تا این بانک، در اختیار دولت نباشد که هر لحظه نیاز داشت از آن برداشت کند. درویش، سیستم حسابداری و نظارتی بانک‌ها را سامان بخشید. همچنین او، به کمپانی‌های که مقروض بودند فشار آورد تا با انعقاد قراردادهای بین‌المللی و جذب سرمایه خارجی، جریان سرمایه در آن‌ها به جریان اندازه. از سوی دیگر قرار است حوزه‌های نظیر شکر، دخانیات، پالایشگاه‌ها و خطوط هوایی از انحصار دولت خارج شوند و به بخش خصوصی واگذار گردند. در راستای خواسته‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، در سرعت بخشیدن به سیاست خصوصی‌سازی و عدم دخالت دولت در اقتصاد، ده‌ها هزار کارگر از کار اخراج گردیدند و فشار کار نیز بر کارگران شاغل شدیدتر گردید.

اکنون سیاست مهم مطرح در نزد سیاست‌مداران حکومتی ترکیه، به دست آوردن عضویت قطعی در اتحادیه اروپاست. اگر ترکیه، به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته شود، دارای ظرفیت‌های زیادی است که به سرعت به سوی مدرنیسم غربی حرکت کند. چرا که زمینه‌های تاریخی و اجتماعی در این کشور موجود است. قطعاً نباید این مسئله را چنین تلقی کرد که مشکل اساسی ترکیه، کشمکش بین سنت و مدرنیسم است، هر چند که این

مسئله نیز دخیل است، اما ترکیه، به لحاظ اقتصادی و سیاسی، حتا از کشوری مانند ایران، جلوتر است و تقابل اصلی میان کار و سرمایه است.

در عین حال سال‌ها طول خواهد کشید که در این کشور، استانداردهای اروپا، به ویژه در زمینه‌های ساختار پلیسی و نظامی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و رفتار با زندانیان سیاسی، تغییرات اساسی و بهبود چشم‌گیر به وجود آید.

حل مسئله مردم کرد و به رسمیت شناختن حقوق این مردم، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به عنوان شهروندان متساوی‌الحقوق با دیگر شهروندان، یکی از معضلات قدیمی و اساسی دولت ترکیه است. برای نمونه سال‌هاست که سازمان کارگران کردستان (پ.ک.ک)، آمادگی خود را در همکاری با دولت و پذیرش قانون اساسی آن کشور، اعلام کرده‌اند و حتا تعدادی از کادرهای خود را از اروپا و کردستان عراق، به عنوان «پیام‌آوران صلح»، به ترکیه فرستاده‌اند که آنان بلافاصله از سوی دولت ترکیه، دستگیر و زندانی شده‌اند. هم اکنون یکی از انتقادات مهم اتحادیه اروپا، به دولت ترکیه، در رابطه با رعایت حقوق بشر و به رسمیت شناختن حقوق فرهنگی و اجتماعی مردم کرد است. اخیرا بلنت اچویت، نخست وزیر ترکیه، به دلیل این که اتحادیه اروپا اظهار کرده است، تغییرات اساسی در زمینه‌های قانونی و سیاسی در جهت بهبود حقوق بشر در این کشور، صورت نپذیرفته، سخت عصبانی شده است.

مسئله قبرس، یکی دیگر از مسائل مورد بحث و کشمکش اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد و ترکیه و یونان است. از سال ۱۹۷۴ که ارتش ترکیه، بخشی از قبرس را اشغال کرده است، دولت یونان، مانع اصلی عضویت ترکیه، در اتحادیه اروپا شده است. اکنون اتحادیه اروپا، اعلام کرده است که در صورت عدم توافق دو بخش قبرس، یعنی بخش ترک نشین و یونانی نشین را در فهرست متقاضیان عضویت قرار خواهد داد. در ترکیه، ۲۴۰ کانال تلویزیون محلی و ۱۲۰ ایستگاه رادیویی وجود دارد که در تحولات آن کشور، نقش مهمی ایفا می‌کنند. تحمیل سانسور بر رسانه‌های گروهی، یکی از معضلات دایمی در آن کشور است. مثلا هنوز ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های دولت ترکیه، برای به کار بردن زبان کردی در رسانه‌های گروهی و ادارات دولتی، هم چنان با برجاست و لغو نشده است. اتحادیه اروپا، یکی از شرایطش برای عضویت ترکیه در آن اتحادیه، به رسمیت شناختن فعالیت فرهنگی اقلیت‌ها، به خصوص مردم کرد در این کشور است. ترکیه، برای اتحادیه اروپا و برای آمریکا، اهمیت استراتژیک دارد، به دلیل این که این کشور، در حد فاصل اروپا و آسیا قرار دارد و ریشه تاریخ کهن آن به حکمرانی امپراتوری عثمانی، بر بالکان و خاورمیانه می‌رسد. این کشور، مدت چهل است که برای نزدیکی به اروپا و عضویت در اتحادیه اروپا، تلاش می‌کند. ترکیه، عضو استراتژیک سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. اکنون در صورت حمله آمریکا و انگلستان، به عراق، نه تنها این کشور، تنها متحد آمریکا در منطقه است، بلکه پایگاه‌های آن کشور، از جمله پایگاه مهم «اینجیرلیک»، در نزدیکی استانبول سال‌هاست که مورد استفاده نیروهای نظامی آمریکا است. در صورت حمله احتمالی آمریکا به عراق،

و تغییر حکومت در آن کشور، تغییراتی که در موقعیت جغرافیایی این منطقه به وجود آورد، سهمی نیز نصیب ترکیه خواهد شد. احتمالا این سهم از منطقه نفت خیز کرکوک خواهد بود که سال‌هاست دولت ترکیه، طرح و نقشه‌هایی برای این منطقه مدنظر دارد. دولت ترکیه، اهداف و سیاست‌های خود را از آغاز حمله پدر بوش به عراق، در چهارچوب «نظم نوین جهانی»، از طریق حزب «ترکمن»‌ها، که اکثرا ساکن منطقه کرکوک هستند، پیش می‌برد. حزب ترکمن، دست ساخته دولت و پلیس مخفی ترکیه، یعنی «میت» است که در سال‌های اخیر به عنوان یکی از احزاب اپوزیسیون عراق در مذاکرات تحولات عراق حضور دارد.

همچنین دولت ترکیه، متحد سیاسی_نظامی اسرائیل، در منطقه بحرانی خاورمیانه است. بی‌شک همکاری ترکیه با اسرائیل، موضع غیرانسانی دولت اسرائیل را در ادامه سرکوب و گشتار مردم فلسطین، تقویت می‌کند. اخیرا قراردادهای نظامی کلانی بین این دو کشور منعقد شده است، از جمله اسرائیل، متعهد می‌شود تانک‌ها و هواپیماهای ترکیه را به ابزارهای مدرن‌تری مجهز سازد.

مسلمانان در جنگ تبلیغاتی آمریکا و حمله احتمالی همه جانبه نظامی‌اش به این کشور، نه تنها مردم عراق قربانی خواهند شد، بلکه آمریکا با متحدان بین‌المللی و منطقه‌اش، فضا را بر مبارزه مردم محروم و ستمدیده، همچنین کارگران و کمونیست‌ها و آزادی‌خواهان تنگ‌تر خواهد کرد. بنابراین هم به دلایل انسانی و هم به دلایل سیاسی باید در راستای نفع نوده‌های مردم در خاورمیانه، جنگ طلبی آمریکا و متحدانش را شدیداً محکوم کرد و از هر امکان موجود بر علیه این جنگ استفاده کرد.

۲۱ اکتبر ۲۰۰۲